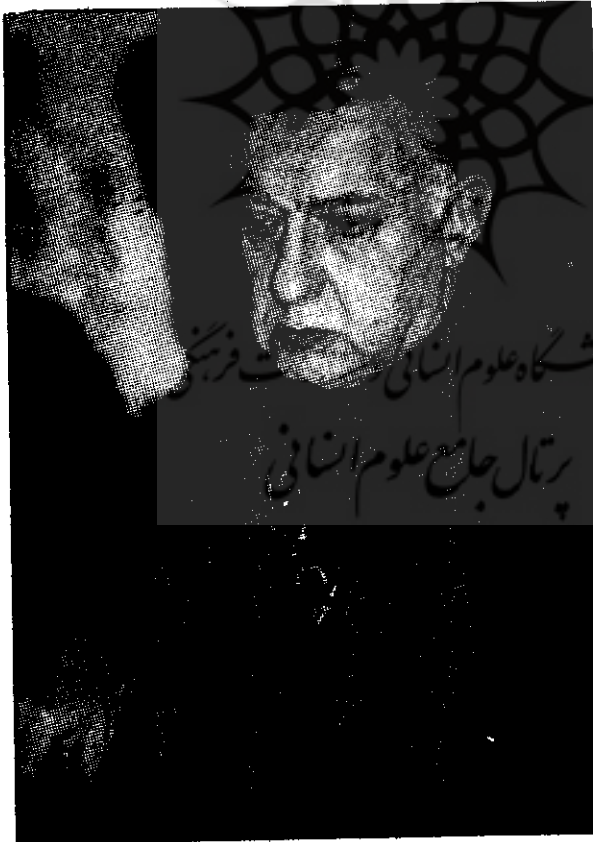


رشد سرمایه داری ملی، تضمینی برای جامعه مدنی

پس از بحثی از نامه مهندس عزت اله سبحانی، به آقای خاتمی رئیس جمهور می‌باشد که پاسخی به سؤال چه باید کرد؟ متناسب با شرایط فعلی ایران است. این نامه در تاریخ ۱۳۷۶/۴/۶ نوشته شده است.

ضروریات غیرقابل اجتناب است و کاملاً نیازهای دوره تاریخی ما را پاسخگو باشد تعریف و بر طبق آن عمل نموده و به آن تحقق خارجی بدهیم.

و سرانجام اینکه، تقدینگی خصوصی عظیم و بی سابقه‌ای که امروز در این کشور جمع شده و منشا تمام مفاسد اجتماعی و تورم گردیده است؛ اگر به سمت تولید صنعتی و ایجاد اشتغال نرود، چه خواهد شد؟ این تقدینگی یا به سوی تجارت و زمین بازی و برج سازی [سرازیر خواهد گردید] یا به سوی مصرف و ریخت و پاش بی مورد برای اغنیا و سرانجام راهی خارج خواهد شد. کدام یک از اینها به لحاظ عواقب و آثار ستم آمیز عقب ماندگی ملی و تمام مفاسد فقر و بیکاری و فحشا و قاچاق و... مفیدتر یا کم ضایعه‌تر و عادلانه‌تر از تکوین و رشد



پس از انقلاب، مابه دلایل ایدئولوژیک و پیروی از نظریه‌های وابستگی و مارکسیستی - که اکنون همه واضعان آن نظریه‌ها، نظرات خود را پس گرفته یا آنها را تعدیل کرده اند - منکر واقعیتی به نام سرمایه داری ملی شدیم و با این بینش، سرمایه‌داری صنعتی را در کشور سرکوب و بی حیثیت نمودیم و راه را فقط بر تجارت و انتقال ثروت به خارج یا [الگوی] مصرف و مصرف باز گذارديم. نتیجه آن شد که امروز اسیر یک طبقه بسیار وسیع و قهار و بی رحم سرمایه داری تجاری شده ایم که به اضعاف مضاعف؛ هم ما را وابسته تر کرده است، هم غارت ملت و زحمتکشانشان ملت را به اعلا درجه رسانده است و هم بدتر از همه، فرهنگ کار و کوشش مولد و مفید به حال جامعه را کشته و سرانجام به صورت دشمن اصلی و پرتوان و متکی به ایدئولوژی انحصاری

حاکم، در برابر صنعت و تولید و استقنا و استقلال و توسعه متوازن جامعه قدرافراشته است.

ما کاملاً می‌توانیم مفهوم یک سرمایه داری ملی را که حتی به تعبیر لنین، در مراحل آغازین توسعه یک کشور عقب مانده از

یک سرمایه‌داری ملی محکم و استخوان دار با تعریف و مفهومی که ما از آن داریم می‌باشند؟ رشد سرمایه داری ملی، صرف نظر از اینکه ثمربخش و تکمیل کننده سیاست نگاه به درون و اتکا به خود است، یک اسکلت عینی برای تحقق جامعه مدنی نیز می‌باشد.